

■ سمانه صادقی

بررسی و تحلیل جنگ ترکیبی سال گذشته که هنوز در قالب‌های گوناگون ادامه دارد، از اولویت‌های سیاسی جامعه امروز قلمداد می‌شود. به نظر می‌رسد در آیین فرآیند، دشمنان نظام اسلامی به شکل همزمان از تمامی راه‌های آزموده و نآزموده بهره بردند و هم اینک در واپسین مراحل آن هستند. شناخت ابعاد و جوانب رویدادی اینچنین مهم ما را به گفت‌وشنود با مسعود رضایی، کارشناس مسائل سیاسی و تاریخی سوق داد. با سیاسی از ایشان که ساعتی را به انجام این مصاحبه اختصاص دادند، امید آنکه مفید و مقبول افتد. ■ ■ ■

از دیدگاه شما، اگر بخواهیم جنگ ترکیبی اخیر را واقع‌بینانه تحلیل کنیم، باید سهیم اپوزیسیون خارج از کشور را در آن چقدر ببینیم؟

طبیعی است که در جامعه‌ای، مجموعه‌ای از کمیودها و نواقص وجود داشته باشد و بخش‌هایی از جامعه هم نسبت به کل یا بعضی از آنها اعتراض یا انتقاد داشته باشند و حتی بخواهند انتقادشان را هم به اشکال مختلف و البته مشروع منعکس کنند، اما به خصوص در ایران با این وضعیت مواجهیم که هرگاه‌نا به دلایلی عده‌ای بخواهند اعتراض خود را بیان کنند، بلندگوهایی از خارج کشور تلاش دارند تا در این زمینه تبلیغات منفی داشته باشند و آن معضل را تشدید کنند. این بلندگوهای خارجی، به شدت وارد کار می‌شوند و از تمام توان خودشان برای به هم ریختن اوضاع استفاده می‌کنند این مجموعه‌ای که در خارج از کشور دست به چنین اقدامی می‌زند، مجموعه‌ای تحت پوشش و حمایت کشورهای استکباری مانند امریکا، انگلیس، فرانسه و دیگر متحدان آنهاست. یعنی این کشورهای استکباری، شبکه وسیعی را برای بر هم زدن اوضاع داخلی ما تشکیل می‌دهند. در اتفاقات اخیر هم شاهد بودیم که آنها با تمام توان وارد کار شده و تلاش کردند حرک‌های انتقادی و اعتراضی را به سمت حرکت‌های آشوبگرانه، اغتشاش و حتی ایجاد درگیری‌های مسلحانه سوق دهند. به هر حال برخی افراد در داخل کشور که البته و اساساً نسبت به کل جمعیت تعدادشان بسیار بسیار اندک بود، تحت تأثیر این تحریکات قرار گرفته و قصد انجام اعمال خضونت آمیز و حتی قتل و غارت داشتند. در مجموع باید بگوییم این دستگاه‌های تبلیغاتی بیگانه در به آشوب کشاندن جریان‌ات اعتراضی، نقش قابل توجهی دارند و در تحلیل ماجرا نباید از سهم آنها غافل شد.

به نظر شما ناراضیان داخلی، چقدر تحت تأثیر مغالطان خارج از کشور هستند؟

البته ناراضی‌ها و کسانی که به هر حال نسبت به برخی مسائل و موضوعات اعتراض دارند باید از یکدیگر تفکیک کرد. اکثریت این قشر کسانی هستند که نسبت به سیاست یا موضوعی اعتراض دارند و این طبیعی و حق آنهاست که اعتراض داشته باشند. از طرفی طبعاً مایل نیستند که حرک اعتراضی آنها در چارچوب سیاست‌های دشمنم قرار بگیرد یا به نفع آن مصادره شود. بنابراین به سرعت صف خود را از صف کسانی که قصد دارند این حرکت‌ها را به سمت آشوب و اغتشاش بکشانند، جدا می‌کنند. کما اینکه ما در مسائل و حوادث اخیر شاهد آن بودیم کسانی که آشوب و اغتشایش ایجاد کرده و دست به اسلحه می‌برند و کاملاً در چارچوب سیاست‌های تبلیغاتی دشمنان نظام فعالیت می‌کردند، تعدادشان بسیار اندک بود. بخش عمده و قریب به اتفاق جریان اعتراضی، صف خود را از آنها جدا می‌کردند و دست به اینگونه اعمال و حرکات نمی‌زدند. این مسئله کاملاً مشهود است بنابراین اگر عرض می‌کنم نقش تبلیغات بیگانه در به آشوب کشیدن حرک‌های انتقادی قابل توجه است، این در مورد همان تعداد قبلی است که دست به آشوب و بلوا می‌زدند. به عبارت دیگر آن تعداد اندکی که در جامعه دست به اغتشاش و تحریب می‌زند، نسبت تحت تأثیر تبلیغات بیگانه هستند. در همین ماجراهای سال ۱۴۰۱، شاهد بودیم که اکثریت کسانی که انتقاد و اعتراض داشتند، مایل بودند خواسته و نظرشان را در چارچوب قانون، معقولانه و خارج از تحکرات آشوبگرانه ابراز کنند.

اما در آن دوران، شاهد آشوب‌های فاجعه بار و کشتار و تخریب در برخی شهرهای کشور بودیم. از نظر شما علت این امر چه بود؟

در واقع شاید جمع کردن اینطور آشوب‌ها کار خیلی مشکلی هم نبود. اگر مدتی هم طول کشید، این نشانه گسترده بودن آن نیست. شما یک جمع کوچک را هم می‌توانید در نظر بگیرید که مثلاً در یک نقطه دست به خرابکاری، غارت و کشتار مسلحانه زده و بعد پنهان شوند!بعد از مدتی هم دوباره این رفتارها را در جای دیگری تکرار کنند و این روند مدتی ادامه پیدا کند. این اقدامات، چندان کار خیلی سختی نیست. البته نظام از آنها نیز غافل نمی‌شود و این عده اندک را دستگیر می‌کند و تحویل دستگاه قضایی می‌دهد. بنابراین دیدیم که به تدریج از التهابات اینچنینی در کشور کاسته شد و جریان رو به سکون و سکوت رفت. چون آن سرمنشأها، سرپل‌ها و کسانی که از تباطات سازمانی و مرآوده نزدیکی با شبکه‌های خارجی داشتند، دستگیر شدند. می‌خواهم عرض کنم طول کشیدن این قضایا در کشور، به واسطه این است که اینطور حرک‌های آشوبگرانه و اغتشاشات، در واقع مجموعه‌ای از اقدامات خرابکارانه است که می‌تواند با یک سازماندهی گروهکی انجام شود و مدتی هم به طول بینجامد. چندان هم کار دشواری به نظر نمی‌آید و این در تاریخ نظام اسلامی هم سابقه دارد. در جریان اخیر هم نظام با آنها برخورد و عوامشان را دستگیر کرد و همانطور که اشاره کردم، سرانجام این فعالیت‌های خرابکارانه فروکش کرد.

عناصر و جریاناتی که در خارج از کشور

مستقر هستند و به قول خود در ایران جنبش «زن، زندگی، آزادی» را به راه انداختند، به جای خنثی کردن رویکردهای جمهوری اسلامی، بیشتر هویت و عملکرد یکدیگر را خنثی می‌کنند؛ به نظر شما این افراد و گروه‌ها می‌توانند برای آینده ایران الگوی سیاسی ترسیم کنند؟

اینها به واقع افراد و گروه‌هایی هستند که ریشه در داخل ایران ندارند. این گروه‌ها عمدتاً وابسته به سرویس‌های خارجی و مراکز مختلف فعال آنجا هستند و از طرف آنها حمایت مالی، سیاسی و تبلیغاتی می‌شوند. بنابراین به عنوان ابزار دست دشمنان مورد استفاده قرار می‌گیرند فارغ از اینکه چه اسم و عنوانی برای خود بگذارند- که معمولاً هم سعی دارند از عناوینی چون:دموکراسی خواه، جمهوری خواه و مشروطه خواه استفاده کنند- هر کدام سر رشته شان به یک مرکز خارجی وصل است. البته آن مراکز خارجی هم برای اینکه به نظر بیاید که مثلاً دارای رالیات بکشد و تبلیغات هستند، انواع و اقسام امکانات را در اختیارشان قرار می‌دهند، ولی در کل همه اینها در عین حال که حالت وابستگی خودشان را دارند، بیشتر به دنبال منافع گروهی و شخصی‌شان هستند:دموکراسی خواه، هم است که این منافع، در بسیاری اوقات در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرد و بین آنها درگیری و تشنج ایجاد می‌کند. یعنی در این میان هر فرد و گروهی، به اصطلاح می‌خواهد خودش را بالاتر بکشد و بیشتر از حمایت مادی و معنوی مراکز خارجی و بیگانه برخوردار شود. در واقع هر یک از آنها می‌خواهد

بیشتر مورد قبول آن مراکز قرار بگیرد. بنابراین چون دچار تعارض منافع می‌شوند، با یکدیگر به شدت درگیر می‌شوند. در بسیاری از موارد، همه ما شاهد بوده‌ایم که از در دشمنی با یکدیگر هم می‌آیند و حتی علیه هم افساگاری‌های تند هم در می‌کنند. چون عرض کردم به رغم برخی تعاملات کوتاه مدتی که با یکدیگر دارند، دچار تعارض منافع هم هستند، به همین دلیل خیلی زود هم به اختلاف و جدایی می‌رسند و در برخی مقاطع و با

گروه‌های موسوم به اپوزیسیون خارجی، به دنبال منافع گروهی و شخصی خودشان هستند. به همین دلیل هم است که این منافع، در بسیاری از اوقات در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرد و بین آنها درگیری و تشنج ایجاد می‌کند. یعنی در این میان هر فرد و گروهی، به اصطلاح می‌خواهد خودش را بالاتر بکشد و بیشتر از حمایت مادی و معنوی مراکز خارجی و بیگانه بر خوددار شود. گاهی شده که به این دلیل، آنها به شدت با یکدیگر درگیر می‌شوند



«جنگ ترکیبی ۱۴۰۱ و راه‌های تداوم و خنثی‌سازی آن» در گفت‌وشنود با مسعود رضایی

وقتی جنگ خیابانی راه به جایی نبرد برداشتن چند روسری هم نمی‌برد

هدایت سرویس‌های خارجی، مجدداً سعی می‌شود تا اینها را به نحوی به یکدیگر بچسبانند! این اتصال اما غیرواقعی، مصنوعی و ناکارآمد است. این وصل شدن‌ها و جدا شدن‌ها، بارها و بارها در طول این ۴۴سال اتفاق افتاده و در ادامه هم وضعیت به همین ترتیب خواهد بود. به خاطر اینکه اینها نه ریشه‌ای در داخل ایران دارند و نه خودشان از یک اصلات، تئوری و منفعت واحد برخوردار هستند. به دلیل اینکه تمامی این گروه‌ها وابسته و محتاج به حمایت‌های بیگانه هستند و همه آنها نیز به دنبال منافع شخصی و گروهی می‌دوند. نه منافع ملی را می‌شناسند و نه در پی آن هستند. بنابراین صرف نظر از هر اسم و عنوانی که برای خودشان در نظر بگیرند، راه به جایی نخواهند برد.

به نظر می‌رسد در میان تمام عناصر و جریانات موسوم به اپوزیسیون مثلث امریکا، انگلیس و اسرائیل سرمایه‌گذاری ویژه‌ای روی فرزند شاه مخلوع انجام داده‌اند. این توجه کانون‌های قدرت جهانی و سرویس‌های آنها چقدر واقع‌بینانه است؟

بالاخره آنها حداکثر توانشان همین است! اینها چون فرد دیگری را در اختیار ندارند، لاجرم برای اینکه فعالیتی داشته باشند، به اینگونه عناصر متشبث می‌شوند. فردی که کاملاً وابسته است و پدران او نیز همینگونه بوده‌اند، طبیعی است که امریکا و اسرائیل، ابزار دیگری که بتواند بهتر و آپرومندتر ظاهر شود در اختیار نداشته باشند. به همین دلیل هم به این انداختن آنها تمام سعی‌شان را می‌کنند. اما طبیعی است که این حرکت آنها نمی‌تواند میان مردم ایران جایگاهی داشته باشد. چون بالاخره مردم از سابقه آن فرد و وابستگی‌های عمیق او آگاه هستند. مردم ایران با استقلالی که پس از پیروزی انقلاب یافتند، راه جدیدی را در پیش گرفتند نمی‌خواهند فردی چون رضا پهلوی که ۴۳ سال است تحت حمایت بیگانهان نفس می‌کشد، با هماهنگی و حتی اجازه آنها به فعالیت‌های بیهوده می‌پردازد و در مجموع یک وابسته تمام عیار است، بر آنها حاکم شود. حال



معارف

تاریخ ۸۸۶۹۸۴۲۷

د

غربی‌ها حداکثر توانشان به میدان آوردن کسی مانند رضا پهلوی است! چون فرد دیگری را در اختیار ندارند، لاجرم برای اینکه فعالیتی داشته باشند، به اینگونه عناصر متوسل می‌شوند. فردی که کاملاً وابسته است و پدران او نیز همین‌گونه بوده‌اند. طبیعی است که امریکا و اسرائیل، ابزار دیگری را که بتواند بهتر و آپرومندتر ظاهر شود، در اختیار نداشته باشند. به همین خاطر هم به این قبیل ابزارهای ناکارآمد متوسل می‌شوند و البته از آن نتیجه‌ای نخواهند گرفت

ناچارند اتفاقا کنند. در مجموع خودشان هم اعتراف دارند یا رفتارشان نشان می‌دهند که به اصطلاح اپوزیسیون جمهوری اسلامی، بسیار ناکارآمد و عقیم است.

به نظر شما ناراضیان داخلی، تا چه حد حاضرند عنان اختیار خود را به دست عناصر و جریاناتی بگذارند که ۴۴سال از ایران دوره بوده‌اند؟ کسانی که چنین تصوراتی درباره ایران‌بان می‌برند، در چه سطحی از هوش و اندیشه هستند؟

ناراضیانی که شما می‌گویید، باید از هم تفکیک شوند. بله، الان ما دچار بعضی تنگناها و فشارهای اقتصادی هستیم. به هر حال این مسئله، به خصوص قشر کم درآمد تحت فشار قرار می‌دهد و ممکن است نارضایتی‌هایی در خلال این فرآیند به وجود آید. طبیعی است برای حل این مسئله باید مسئولان و دولت حداکثر تلاش خودشان را به کار گیرند که نهایتاً به اوضاع و احوال اقتصادی کشور، سرو سامان بیشتری داده شود و در نهایت این تحریم‌ها به نوعی خنثی و وضعیت اقتصادی کشور بهتر شود. معلوم و طبیعی است آن کسانی که به هر حال تحت فشار اقتصادی هستند، برای حل این مسئله نمی‌آیند بسیاری را که بیش از ۲۰ سال برای کسب استقلال طی شده است نفی کنند. آنها هم مسلماً می‌خواهند کشورشان قدرتمند و مستقل باشد. کشوری که بتواند در عرصه بین‌المللی، از اعتبار بالای اقتصادی، سیاسی و صنعتی برخوردار باشد. بنابراین حرف کسانی که به بعضی از تنگناها و مشکلات اقتصادی اعتراض دارند، مسلماً این نیست که ما از صفر تا صد، دوباره کشور را به امریکا، انگلیس و اسرائیل وابسته کنیم. هدفشان این است که این پیام را برسانند که باید تدابیر اقتصادی مناسبی برای بهبود اوضاع و احوال معیشت جامعه در پیش گرفته شود. این مسئله هم همان تأکید است که رهبر معظم انقلاب اسلامی هر ساله آن را مطرح و همچنان بر آن تأکید می‌کنند که باید اوضاع و احوال اقتصادی و معیشتی مردم با اتخاذ راهکارهای درست و مدیریتی قوی، بهتر و بیشتر شود. اما فکر نمی‌کنم آن دسته از ناراضیانی که دارای وابستگی‌های گروهی هستند یا به هر حال در مسیر آشوب و براندازی حرکت می‌کنند، اساساً تعدادشان چندان زیاد باشد. واقعاً تعداد کسانی که بخواهند کشورشان مسیر استقلال را رها کرده و در مسیر وابستگی پیش برود، بالا نیست. چون مشخص است که رهاپهلوی عصری تمام عیار وابسته به بیگانه است. جزو بدبخت‌ها است که او جز وابسته کردن تمام کشور به بیگانه، چیزی در ذهن ندارد و نمی‌تواند داشته باشد. چیزی که در ذهن ندارد و نمی‌تواند داشته باشد. پدرو پدربزرگش هم در این مسیر حرکت کردند. او هم که بیش به رضا پهلوی دارد، تعدادشان زیاد باشد. چون ماهیت او هر همه آشکار است. اگر هم فرض بگیریم رضا پهلوی اینجا قدرت بگیرد، مشخص است که ایران چه وضعی خواهد داشت. آینده‌ای نوس سبک زندگی ندارند. افراد متفاوت هستند مگر تا امروز این همه آثار ندرست را در مورد ایران ارائه ندادند؟ و این همه تحریم‌های نادرست را در مورد ایران اعمال نکردند؟ خب این انتخاب اشتباه هم یکی دیگر علاوه بر همه آن اشتباهات دیگرشان است. عرض این است، وقتی حربه دیگری در اختیار دشمنان ما نیست، به همین متاع موجود، ولو اینکه بسیار نامرغوب، ناپسند و ناکارآمد باشد،

عرض کردم، چون فرد دیگری را ندارند! ببینید شما یک وقت اقتضای دیگری را که بتوانند انجام دهند در اختیار دارید، یا اینطور بگویم که شما برای پیشبرد اهدافتان ابزار بهتری را در اختیار دارید، شما از آن استفاده می‌کنید. چون خیلی وقت‌ها در اختیار بهتری را در اختیار دارید و از آن استفاده می‌کنید. اما یک وقت است که شما ابزار بهتری را در اختیار ندارید، بنابراین مجبورید از همان چیزی که در دسترس دارید، ولو بسیار بی‌ارزش و نامرغوب استفاده کنید. البته این کشورها در مورد ایران، ۴۴ سال است که اشتباه فکر و تحلیل می‌کنند. لذا این هم اشتباه دیگری در میان صدها اشتباه دیگری است که تا امروز انجام داده‌اند. مگر تا امروز آنچه می‌خواستند در ایران انجام شود، انجام شده است؟

عرض کردم، چون فرد دیگری را ندارند! ببینید شما یک وقت اقتضای دیگری را که بتوانند انجام دهند در اختیار دارید، یا اینطور بگویم که شما برای پیشبرد اهدافتان ابزار بهتری را در اختیار دارید، شما از آن استفاده می‌کنید. چون خیلی وقت‌ها در اختیار بهتری را در اختیار دارید و از آن استفاده می‌کنید. اما یک وقت است که شما ابزار بهتری را در اختیار ندارید، بنابراین مجبورید از همان چیزی که در دسترس دارید، ولو بسیار بی‌ارزش و نامرغوب استفاده کنید. البته این کشورها در مورد ایران، ۴۴ سال است که اشتباه فکر و تحلیل می‌کنند. لذا این هم اشتباه دیگری در میان صدها اشتباه دیگری است که تا امروز انجام داده‌اند. مگر تا امروز آنچه می‌خواستند در ایران انجام شود، انجام شده است؟

این فرد به خود اختصاص داد، معلوم است. **اگر ناراضیان داخلی از خارج دست‌ستور نمی‌گیرند، منشأ بر خسی تحریکات در سالیان اخیر یا پدیده‌هایی مانند بی‌حیاسی در برخی معابر عمومی چیست؟ اینگونه اقدامات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

به هر حال در مورد کسانی که در یک جامعه بزرگ مانند ایران به نحو دیگری فکر می‌کنند، باید گفت قرار نیست در یک کشور همه یک گونه فکر کنند. همه اعضای جامعه هم یک نوع سبک زندگی ندارند. افراد متفاوت هستند و تنوع نسبتاً زیادی در برخی حوزه‌ها در جامعه وجود دارد. اما مسئولان و برنامه‌ریزان کشور باید به نحوی امور را تدبیر کنند که یک نقطه عطف در اینگونه مسائل شکل گیرد. همه هم حوال آن نقطه تعادل حرکت کنند. در بحث

۹ جوان

حجاب هم باید ما به یک نقطه تعادل برسیم که به اصطلاح هم آن حریم‌ها و مرزهای عفاف در جامعه رعایت شود و هم اینکه در حد امکان، سلايق مختلف افراد جامعه بتوانند تا حدی مسير زندگي خودشان را هم داشته باشند. من اينطور به ذهنم می‌رسد که ما اگر در این عرصه، به یک راهبرد مناسب و نقطه تعادل برسیم، حال چه در زمینه مسائل فرهنگی و چه در زمینه مسائل سیاسی و مردم احساس کنند در حد قابل قبولی می‌توانند سبک زندگی خودشان را داشته باشند، خیلی از زمینه‌ها برای ایجاد آشوب و اعتراض از بین خواهد رفت.

از نظر شما استفاده از ابزار بی‌حجابی در معابر عمومی تا چه حد وسعت و عمر خواهد داشت؟

جامعه ما در مجموع، چه زن‌ها و چه مردهای آن انسان‌های عقیف و با حیایی هستند. البته استثناهایی هم هست. ممکن است کسانی هم باشند که به دلایل مختلف از جمله لجبازی بخواهند مرزهای عفاف را زیر پا بگذارند. اینها استثنا هستند. جامعه ما در مجموع، جامعه‌ای است که اساساً دین، مذهب، حیا و عفاف، دارای ریشه‌های کهن و اصیلی در آن است. حتی کسانی هم که در نگاه کلی حجابشان کمتر است کم‌تر این همه نظر من کلیت جامعه ایران، یک جامعه مقید به حدود و مرزهای عفاف، حیا و حجاب است. بله، همانطور که عرض کردم استثنا هم هست و ممکن است کسانی با اهداف سیاسی خاصی یا حتی با هدف به آشوب کشاندن جامعه و ایجاد برخورد و تنش، دست به اینطور رفتارها بزنند و با پوشش‌های زنده‌ای در جامعه حاضر شوند. چه بسا به عمد، با هدف و طی یک برنامه‌ریزی – که مرتبط با خارج هم باشد- این کار را انجام بدهند، با این هدف که نوعی برخورد و تنش به‌وجود بیاورند و این برخوردها را گسترش دهند. باید در این زمینه هوشیار بود. ما باید مراقب انواع و اقسام برنامه‌ریزی‌ها و اقداماتی که دشمنان می‌کنند، باشیم. چون حتی ممکن است با برنامه‌ریزی، افرادی از عوامل خودشان را مأمور کنند تا از آشوب‌های احتمالی فیلم بگیرند و آن را در شبکه‌های مختلف مجازی به نمایش بگذارند. حتی گاهی وقت‌ها از ناحیه نیروهای انقلابی و انتظامی قابسی وارد اینگونه قضایا شوند و با فرد بدپوشش برخورد و تنش ایجاد و از آن حربه فیلمبرداری کنند. بعد هم آن را در فضای مجازی نشان داده و فضای ملتهبی را بر جامعه رقم زنند. ما نباید اسیر این توطئه‌ها و برنامه‌ریزی‌ها شویم. باید مراقب باشیم در این مسیر جامعه به تنش کشیده نشود. با این همه همانطور که رهبری فرمودند، این توطئه هم فرجامی مانند جنگ ترکیبی سال گذشته نخواهد داشت.

به‌عنوان واپسین سؤال، چگونه می‌توان از وقایع و روخادهایی چون جنگ ترکیبی سال ۱۴۰۱ جلوگیری کرد؟

این نیاز به بررسی گذشته دارد. جمله معروفی داریم که می‌گوید: «گذشته، چراغ راه آینده است»، بنابراین باید مرتباً حوادث گذشته را بررسی و تحلیل کنیم تا بفهمیم علت این معضل چه بوده است. طبیعی است که با پی بردن به نقاط ضعف خودمان و شناسایی اشتباهاتی که احتیاً در گذشته داشتیم، می‌توانیم آن نواقص را شناسایی و اصلاح کنیم. در هر جامعه‌ای هم اینگونه است. بالاخره در همه جوامع، برای حرکت به جلو هم نقاط قوت وجود دارد و هم نقاط ضعف. کشورها دولت‌های موفق هستند که بتوانند مرتباً گذشته را آسیب‌شناسی کنند و نقاط ضعف خودشان را بشناسند و از آنها به‌سادی عبور نکنند. از طرف دیگر لازم است برای ارتطرف کردن این نقاط ضعف، تدبیر نمایند. حال اگر این مشکلات در حوزه مسائل اقتصادی است، باید از راه خود و به گونه‌ای کارشناسی شده برطرف شود و اگر در حوزه مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است، باید به نحوی دیگر برای رفع این نواقص و اشتباهات فکر و تدبیر صورت گیرد و برای افزایش رضایت در جامعه است. کسانی هم که متوقع هستند این ضعف‌ها برطرف شوند، اعتراض طبیعی است. آن عده اگر ببینند، راه‌حل‌هایی برای این ضعف‌ها و مشکلات اعمال می‌شود و بهبود هرچه بیشتر امور در دستور کار است، نارضایتی‌شان فروکش می‌کند. تعدادی هم ممکن است همواره به دنبال سیاست‌های خارجی و تبلیغات بیگانه باشند. آنها تعداد زیادی نیستند و جامعه وقتی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وارد مسیر حرکت درست و رو به صواب شود و حرکت در این مسیر احساس شود، مردم با آن عده قلیل همراهی نمی‌کنند. کما اینکه ما در سال‌های گذشته هم شاهد این بودیم که عامه مردم صف خود را از صف آشوبگران جدا کردند. در واقع مردم ایران به دنبال ایجاد آشوب، بلوا و درگیری نیستند و این را هم به خوبی می‌دانند که اگر جامعه دچار اغتشاش شود، این به معنای وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی خواهد بود. این هم مسئله‌ای است که دشمنان ما انتظار آن را دارند. بنابراین مردم به دنبال این هستند که ان‌شاءالله وضعیت در مسیر اصلاح امور قرار گیرد و با تدابیر مسئولان در حوزه‌های مختلف، شرایط رو به بهبود برود.